

# "رفع تبعیض از زنان" و روند قانونگذاری

منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان

فائزه حسنی

مسئولیت‌های زنان در صورت انحلال خانواده، حقوق آموزش و پژوهش و مسئولیت‌های اقتصادی و فرهنگی زنان، حقوق و مسئولیت‌های زنان در زمینه‌های مربوط به سیاست بین‌المللی، سیاست داخلی، امور دفاعی و نظامی و قضایی نیز موادی از این طرح ۱۴۸ ماده‌ای را به خود اختصاص داده است. کلیات این طرح در شور اول به تصویب نمایندگان رسیده است و مقدمه آن که به عنوان منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران از آن نام برده شده، مشتمل بر حقوق و تکالیف امضایی، تأسیسی و حقوق حمایتی و نیز حقوق مشترک بین همه انسان‌هاست، اما در تدوین آن "به منظور تحقق عدالت و انصاف در جامعه زنان مسلمان" ذکر شده است و معلوم نیست که زنان غیرمسلمان که جزو شهروندان جمهوری اسلامی می‌باشند چه ماده‌ای در این طرح به آنان اختصاص می‌یابد؟ و آیا آنان مستحق عدالت و انصاف نیستند؟ البته عنوان طرح دربرگیرنده حقوق زنان است یعنی دربرگیرنده کل شهروندان زن می‌باشد و مرزبندی در آن وجود ندارد. در گزارش کمیسیون ذکر شده است که یکی از اهداف طرح، جلوگیری از جوسازی‌هایی است که در رابطه با حقوق زنان در ایران اسلامی در دنیا مطرح می‌شود. البته طرح، دولت را ملزم به ارائه لایحه‌ای به منظور حقوق و مسئولیت‌های زنان در عرصه‌های مختلف می‌نماید که با مخالفت معاونت حقوقی ریاست جمهوری روبه‌رو شد زیرا به تصریح وی الزام دولت به ارائه لایحه، بار مالی داشته و احتمالاً مغایر با نظر شورای نگهبان خواهد بود.

## مجلس ششم و رفع تبعیض از زنان

پیش از این طرح، مجلس ششم در مردادماه ۱۳۸۲، لایحه الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان را به تصویب رسانده بود. گفتنی است که لایحه مربوطه در شهریور سال ۱۳۷۴ در وزارت خارجه تهیه شده بود و کلیات آن در همان سال به تصویب مجلس رسیده بود، ولی در دستور کار قرار نگرفته بود تا آن‌که مجدداً در سال ۱۳۸۰ به تصویب هیئت وزیران رسید و به صحن علنی مجلس راه یافت. روح حاکم بر لایحه مفاد

در بهمن ماه سال ۱۳۸۴ کلیات دو طرح مربوط به امور زنان در جلسات علنی مجلس به تصویب رسید. اولی الزام به قانونی درباره حضور مشاوران زن در دادگاه‌های خانواده بود. نیاز به این طرح از آنجائیکه می‌شد که حیا و عفت بانوان به هنگام مراجعه به دادگاه‌ها مانع از آن می‌شود که مسائل خانوادگی خود را با یک قاضی مرد مطرح کنند و معمولاً مشاور زن بهتر می‌تواند شنونده مسائل بانوان بوده و تشخیص بهتری از مصالح خانواده، نسبت به قاضی مرد، داشته باشد. هر چند که بسیاری از زنان جامعه ما براساس فرهنگ خاصی، از مراجعه به دادگاه خودداری می‌کنند و با وجودی که مشکلات زیادی را متحمل می‌شوند، سعی می‌کنند خودشان آن را در درون خانواده حل کنند و بعضاً از ارجاع و در میان گذاشتن نارسایی‌ها با اطرافیان نزدیک هم ابا دارند که یکی به دلیل فرهنگ جامعه و دیگری به دلیل نارسایی‌هایی در زمینه چتر حمایتی قوانین مربوطه می‌باشد.

هرچند که در اصل ۲۱ قانون اساسی در بند ۳، ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کيان و بقای خانواده تأکید شده است و در حال حاضر بیش از ۲۵۰ شعبه دادگاه خانواده در کل کشور مشغول به کار می‌باشند.

و اما کلیات طرح دیگری با عنوان "حمایت از حقوق و مسئولیت‌های زنان در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی" از سوی کمیسیون فرهنگی مطرح گردید و در شور اول رأی آورد. این بحث پیش از این در شورای عالی انقلاب فرهنگی در دوره

ریاست جمهوری آقای خاتمی به تصویب رسیده بود و ترجمه آن در مراکز بین‌المللی ارائه گردیده بود. ولی به عنوان یک سند رسمی نیاز به تصویب مجلس دارد و بنا به گفته نایب رئیس کمیسیون و کارشناسان دستگاه‌های اجرایی، این طرح غنی‌تر از سندهای موجود بین‌المللی در عرصه حقوق زنان می‌باشد. شروع این بحث با آیه شریفه "من عمل صالحاً من ذکر او انثی و هو مومن فلنحییته حیاه طیبه" (نحل: ۹۷) مزین گشته است. فصول گوناگون این طرح مشتمل است بر مسئولیت‌ها و حقوق خانوادگی زنان، حقوق و مسئولیت‌های فردی زنان، حقوق و

**آزادی زن و مرد از آن جهت که هر دو انسان هستند امری بدیهی است که علیرغم برابری، دو گونه انسان هستند با دو گونه روان‌شناسی، لذا تساوی زن و مرد شرط لازم است ولی کافی نیست زیرا آنها مشابه نیستند و قانون طبیعت را نمی‌توان با قانونگذاری که امری قراردادی است تغییر داد**

۱۳۸۵ مرداد ماه

سنت‌هایی که حتی در غرب هم از دیرباز مورد احترام بوده، مخالفت می‌کند زیرا آنها خواهان تغییر نه تنها کلیه ارزش‌های اخلاقی، اجتماعی که حتی تغییر طبیعت انسانی هستند مانند تغییر الگوی خانواده و ازدواج و مادری را در قید بندگی زن مانند محسوب می‌کنند. ضمن آن‌که آیت‌الله فاضل لنکرانی و آیت‌الله مکارم شیرازی این معاهده را خلاف تعلیمات اسلام دانستند که قید "مطابقت با شرع"، مشکلی را حل نمی‌کند. دکتر سبحانی افزود بیوستن به این کنوانسیون یعنی پذیرش حقوقی کمتر و پایین‌تر از



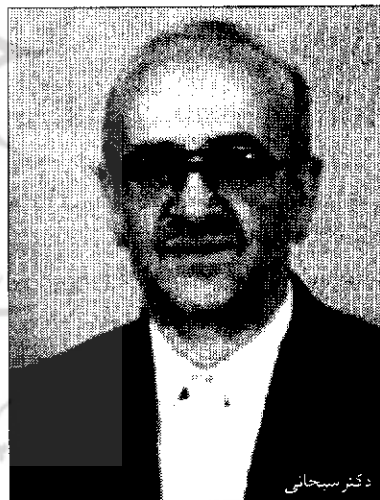
الهه کولابی

آن‌که شرع مقدس پذیرفته است و با اعلام این‌که زن و مرد مشابه هستند در حق زن بی‌عدالتی روا می‌داریم، که کاری است برخلاف حقوق فطری زنان. ضمن آن‌که با الحاق به کنوانسیون برخی از قوانین مانند نحوه اجرای مجازات، ثبوت جرایم، قصاص، مراحل دادرسی، شهادت زن، میزان دیه زن، حق قضاوت و تساوی در تصدی بعضی از مشاغل، ممنوعیت نکاح زن مسلمان و مرد غیرمسلمان و بسیاری از احکام دیگر لغو می‌گردد و حقوقی از قبیل حق طلاق، حضانت، ولایت و قیمومیت فرزندان، خدمت زنان در نیروهای مسلح، کار زنان در شب، حق مساوی مرد و زن در تعیین اقامتگاه، تابعیت، خروج از کشور دستخوش تغییر می‌گردد.

الهه کولابی موافقت با این لایحه را با آیه شریفه "یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر او انثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا..." (حجرات: ۱۳) شروع کرد و افزود که هدف لایحه نه مشابه‌سازی زنان و مردان بلکه به منظور رفع تبعیض و نادیده گرفتن حقوق انسانی زنان می‌باشد به طوری که این گونه تبعیض‌ها امکان شکوفایی کامل استعدادها و توانمندی‌های زنان را در خدمت به جوامع از بین برده و آن را دشوار ساخته است و نباید به آن بدبینانه نگاه کرد. کولابی گفت برای رسیدن به وفاق جهانی، کنوانسیون وین در سال ۱۹۶۹ برای حقوق معاهدات تنظیم شد که به معاهده معاهدات معروف شده و حق شرط یا تحفظ را مطرح می‌کند که براساس آن دولت‌ها بتوانند متناسب با هنجارهای ملی و استانداردهای داخلی و ارزش‌های بومی خودشان در یک مجموعه

کنوانسیون را به شرطی قابل اجرا می‌داند که با شرع مقدس اسلام مغایرت نداشته باشد. شرط دیگر الحاق ایران به کنوانسیون این است که داوری و ارجاع اختلافات به دیوان بین‌المللی دادگستری را نپذیرفته است. طبق آمار مطرح شده (در تاریخ یادشده) از ۵۶ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی، ۴۴ کشور به این کنوانسیون پیوسته‌اند. ۱۶۸ کشور در دنیا عضو آن بوده و فقط ۱۸ کشور آن را نپذیرفته‌اند. انگیزه طرح بحث در کمیسیون نیز خنثی کردن تبلیغات و فشارهای بین‌المللی علیه کشور ایران بوده است.

گزارش کمیسیون فرهنگی در مورد این لایحه نشان می‌داد که در آینده‌ای نزدیک این معاهده به یک عرف بین‌المللی تبدیل می‌شود و طبیعتاً ما هم مجبور به اجرای آن خواهیم بود، به علاوه مفاد کنوانسیون بر اعطای حقوق طبیعی افراد به آنهاست و تبعیض مذموم علیه زنان را نقض می‌کند. یعنی هدف آن رفع تبعیضات ناروا در شناسایی حیثیت انسانی، برقراری حقوق و مزایای اجتماعی و رفع مسئولیت‌ها و تکالیفی که به خاطر جنسیت استوار است، می‌باشد. یعنی جنسیت سبب کمال نیست، بلکه هر انسانی به خاطر حیثیت و کرامت انسانی از حقوق انسانی برخوردار می‌باشد که سرمنشأ این حقوق در مفاهیم دینی و اعتقادی ما ریشه دارد.



دکتر سبحانی

دکتر سبحانی نماینده دامغان الحاق ایران به کنوانسیون را مخالف با مصالح زنان دانست زیرا نگرش پست‌نگری به زنان را با نگرش منحنی‌مردمحورانه جایگزین می‌کند و روح آن این است که با اصل قرارداد جنس مرد، زنان را در حد برابری به معنای مشابه بودن با مردان برساند. وی به دیدگاه شهید مطهری در مورد زنان اشاره کرد که آزادی زن و مرد از آن جهت که هر دو انسان هستند امری بدیهی است که علیرغم برابری، دوگونه انسان هستند با دو گونه روان‌شناسی، لذا تساوی زن و مرد شرط لازم است ولی کافی نیست زیرا آنها مشابه نیستند و قانون طبیعت را نمی‌توان با قانونگذاری که امری قراردادی است، تغییر داد. به عقیده دکتر سبحانی اعتراضاتی که با عنوان فمینیسم پایه‌گذاری شده مخرب‌ترین جنبشی است که به شکل تعصب‌آمیز با ارزش‌ها و

اوایل گفته می‌شد مجامع بین‌المللی سازمان‌های استکباری هستند اما در نهایت به این نتیجه رسیدیم که قاعده‌بازی در نظام‌های عرفی امروزی را رعایت کنیم اگر چنین نگرانی وجود دارد که نظام اسلامی زیر بیرق ولایت فقیه و با حضور این همه مجامع نظارتی خدای ناکرده کاری غیراسلامی بکند باید فاتحه این نظام را خواند، چه کسی جرأت دارد در این نظام توافق بکند و چیزی را بپذیرد که برخلاف اسلام است؟! بنابراین نباید خود را در معرض داوری‌های نا عادلانه و انفعالی قرار بدهیم.



### مسیر لایحه در شورای نگهبان

این لایحه با اکثریت بالایی به تصویب مجلس رسید و به شورای نگهبان فرستاده شد ولی مورد تأیید قرار نگرفت. اشکال شورای نگهبان این بود که از این مجموعه کدام موارد خلاف شرع نیست تا مورد اظهار نظر قرار بگیرد و ثانیاً مرجع تشخیص این که مقوله‌ای خلاف شرع هست یا نیست، کدام است.

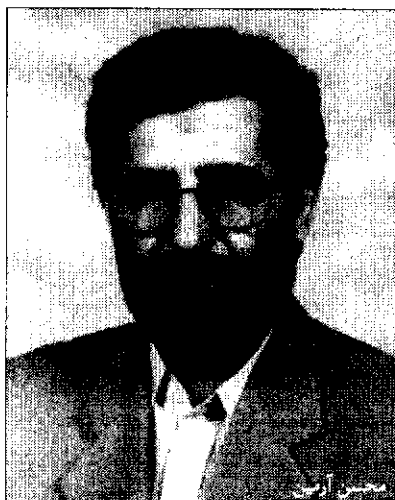
بحث‌های فراوانی در این رابطه انجام شد از جمله استدلال مجید انصاری این بود که چون ما با آرای متعدد مراجع مختلف روبه‌رو هستیم و از آن طرف مرجع تشخیص، اصل ۴ قانون اساسی است که گفته می‌شود تمام قوانین و مقررات و بخشنامه‌ها و حتی آیین‌نامه‌هایی که در دولت جمهوری اسلامی صادر می‌شود باید منطبق با شرع باشد و مرجع تشخیص آن هم فقهای شورای نگهبان هستند، بنابراین برای رفع ابهام از تعیین مرجع، مشخص کنیم که با شرع مقدس اسلام براساس اصل چهارم قانون اساسی مغایرت نداشته باشد در غیر این صورت ممکن است مرجعی آن را حرام بداند و مرجع دیگری جایز و این کشمکش در جامعه دامن زده شود. وی پیشنهاد کرد که با قید اصل چهارم قانون اساسی، لایحه به مجمع تشخیص مصلحت نظام فرستاده شود.

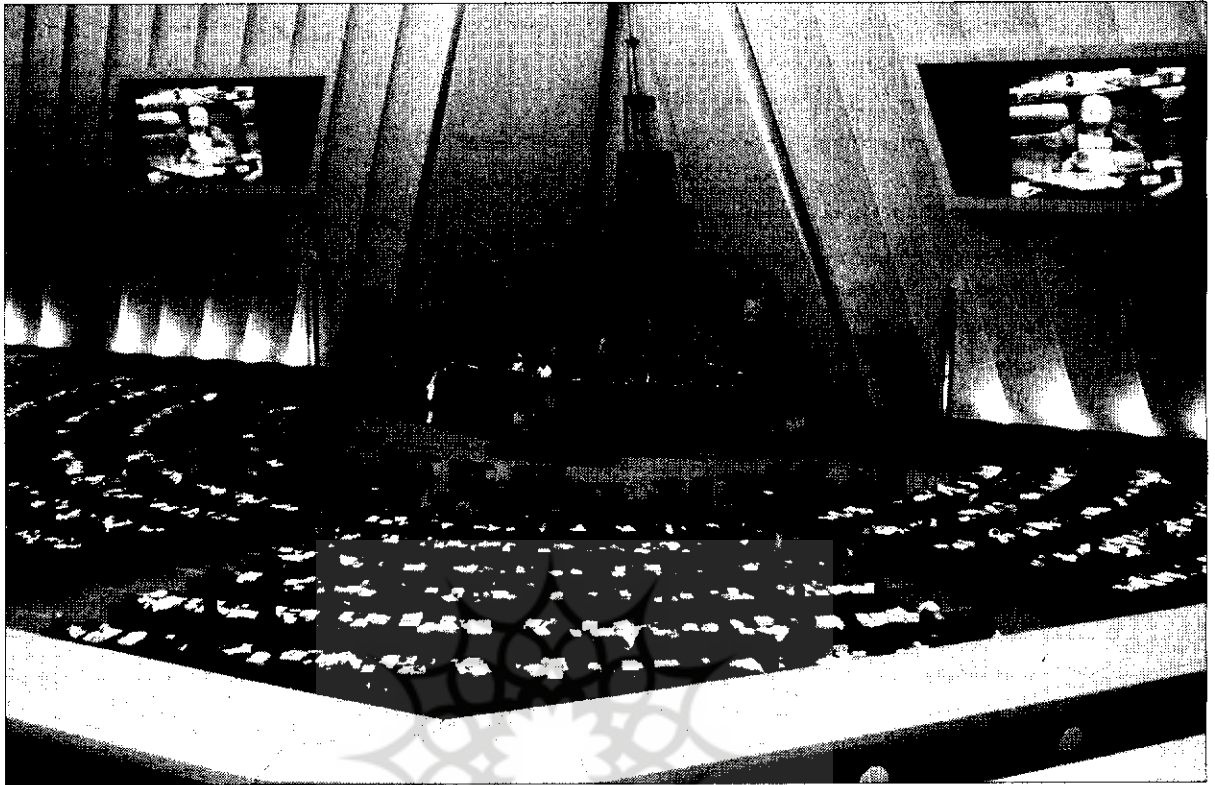
پیشنهاد آرمین این بود که برای قانونگذاری یک سازوکاری وجود دارد، لذا اضافه کردن اصل چهارم مشکلی را حل نمی‌کند بلکه مرجع تشخیص، قوانین رسمی کشور است که طبق آن شورای نگهبان براساس اصل چهارم قانون اساسی، بررسی می‌کند یعنی با ذکر کل

هماهنگ با دیگران قرار بگیرند. بنابراین حق شرط، عملاً دست دولت جمهوری اسلامی و مجلس شورای اسلامی و همه نهاد‌های مبتنی بر باورهای دینی را بازمی‌گذارد که در برابر آن دسته از قوانینی که در مغایرت با شرع قرار می‌گیرند، ابراز مخالفت کنند. وی گفت ما با توجه به دیدگاه‌های امام‌راحل می‌توانیم شرایط بسیار مثبتی را عرضه کنیم. این در حالی است که حتی کویت که در آن زنان از حق رأی برخوردار نیستند و افغانستان و عربستان نیز عضو این کنوانسیون می‌باشند.

از سوی دیگر موسی قربانی در مخالفت خود چنین استدلال کرد که در خانواده یک نفر باید مدیر باشد و آیه "الرجال قوامون علی النساء..." را ذکر نمود و گفت که اگر قرار باشد در مورد انتخاب مسکن حق به تساوی به افراد داده شود آغاز دعوا و مرافعه است. ضمن آن که دیگر قوانین مانند ارث، دیات، ازدواج، مجازات اسلامی در مطابقت با کنوانسیون، مستلزم تغییراتی در قانون اساسی مان می‌شود و حتی عرف جامعه را هم در راستای تبعیت از کنوانسیون بایستی اصلاح کنیم. قربانی در ادامه سخنان خود گفت که براساس محتوای کنوانسیون، شرط گذاشتن پذیرفته شده نیست.

پورنجانی اعلام موافقت خود را با استناد به نظرات مرحوم امام شروع کرد که در زمانی که برخی در کسوت دین معتقد بودند حضور زنان در خیابان‌ها برای مبارزه با رژیم طاغوت خلاف شرع است، امام مشخص کردند که زن و مرد نسبت به مصالح جامعه مسئولیت مشترک دارند. پورنجانی در ادامه با این بحث که اختلاف نظر در کنوانسیون‌ها امری است که در همه کشورها هست و حتی از منظر فرهنگی نظرها متفاوت است و حق تحفظ یا رزرویشن (Reservation) می‌گیرند، اما با دیدگاه مخالفان یک سوال کلی مطرح می‌شود که آیا الحاق ما به کنوانسیون حقوق بشر که در آن حق ارتداد پذیرفته شده، در اسلام حق است؟ چرا ما در آنجا عضو هستیم؟ آنجا هم گفته‌ایم ما تحفظ داریم و ارتداد را نمی‌پذیریم و قوانین ما نباید با اسلام مغایر باشد. وی افزود الحاق به مجامع بین‌المللی یک فرصت برای ماست و به نمایندگان یادآور شد که در





این گونه حقوق مطروحه را اهانت به زن می دانیم. " دکتر زهره طبیب زاده نوری این گونه موافقتنامه ها را حاصل نگرش غربی و یک الگوی شکست خورده لیبرالیستی و سکولاریستی که در کشورهای غربی هم به بن بست رسیده است تلقی نمود. از منظر برخی حقوقدانان این نوع اظهار نظر در صلاحیت مجلس بوده و نمی تواند در شأن مرکزی باشد که از جایگاه مشاوره ای برخوردار است.

**مرکز پژوهش های مجلس و آسیب شناسی موضوع زنان**  
 در برنامه چهارم توسعه نیز درباره زنان و خانواده موادی آمده است که از سوی مرکز پژوهش های مجلس مورد آسیب شناسی قرار گرفته است و در مقدمه آن به بحران جنسیت و دور شدن نسل جدید از هویت جنسی خود اشاره شده که پیامدهایی را در جامعه ایجاد کرده است. از جمله این که امروزه زن از زن بودن خود احساس رضایت نمی کند و خود را متفاوت از مرد نمی شناسد و به همین دلیل نمی تواند بر حقوق و تکالیف ویژه مهر تأیید بزند و در نتیجه وجود برخی قوانین را تبعیض و ظلم می داند و از آنجا که نظام را مدافع پاره ای از تفاوت ها می یابد، به مخالفان فرهنگی و یا سیاسی نظام تبدیل می شود و جنبش هایی با نگرش فمینیستی بویژه فمینیسم اسلامی که خواهان تفسیر متون دینی به منظور هماهنگی با استانداردهای برابری می باشد، به وجود آمده است. تحلیل مرکز پژوهش ها آسیب دیگر را در حوزه عملکرد نسل جدید دانسته است که به رقابت های بی حاصل با جنس مخالف برخاسته به طوری که حضور در عرصه های مردانه ضریب ناامنی اجتماعی زنان را افزایش می دهد

قانون اساسی، هم بقیه اصل ها نادیده گرفته نمی شود و هم کلیت شرع ملاک و مبنای عمل قرار می گیرد.

مجید انصاری نیز در دفاع از حق مجلس و رفع نگرانی متدینین گفت تصور نشود در این مجلس (مجلس ششم) نمایندگان شرع را زیر پا می گذارند. وی اظهار تأسف کرد که بعد از تصویب این لایحه در مجلس ششم در سطح وسیعی از کشور و در برخی از مطبوعات و بعضی از مجالس مذهبی، برخی از موارد خلاف شرع کنوانسیون را خوانده و گفته اند نمایندگانی که شما به مجلس فرستادید این موارد را تصویب کرده اند! مثلاً در بعضی از جلسات موادی مانند تساوی ارث یا حق طلاق و این گونه موارد را با آب و تاب مطرح کرده و گفته اند که به تصویب نمایندگان رسیده است!

سرانجام لایحه بدون تغییر و با تأیید اکثریت آرای نمایندگان به مجمع تشخیص مصلحت نظام فرستاده شد که تاکنون در دستور کار مجمع قرار نگرفته است.

**برخی از مواد کنوانسیون حرام است!**

رئیس مرکز امور مشارکت زنان که بعد از روی کار آمدن دولت نهم به "مرکز امور زنان و خانواده" تغییر نام یافته است، در نخستین کنفرانس مطبوعاتی خود در رابطه با لایحه مورد بحث گفت: "صریح و روراست بگویم تا زمانی که من اینجا هستم هرگز به این کنوانسیون نخواهیم پیوست چرا که این کنوانسیون خلاف شرع اسلام است و مواردی که در آن مطرح شده نه تنها حقوق نیست بلکه بعضاً اعمال حرام و خلاف شرع است و... ما برخی از مفاد مطالب کنوانسیون را جزء حقوق زنان نمی دانیم، زیرا بر اساس تعالیم انبیا

و به زعم برخی از نویسندگان غربی دور شدن از هویت زنانه مهم ترین مشکل زن معاصر می باشد.

### تقویت هویت انسانی

بخش دیگری از این آسیب شناسی به تقویت هویت جنسی به جای هویت انسانی اختصاص دارد زیرا تشابه حقوق و تشابه نقش ها که به نادیده انگاشتن تفاوت های طبیعی دو جنس می انجامد پیامدهای خطیری در حیات خانوادگی و اجتماعی به دنبال دارد. از دید این تحلیل، در ۱۶ سال گذشته اصلاحات قانونی به سمت تشابه نقش ها تغییر مسیر داده است و انتظار می رود پیامدهای سوء آن به وضعیتی بحرانی به شکل افزایش آمار طلاق و شکاف نسل ها بینجامد و در عرصه اجتماعی به شکل توسعه بحران بیکاری به دلیل تمایل زنان به فتح عرصه های مردانه اشتغال و حتی افزایش مفاسد اجتماعی منجر گردد. در ادامه این تحلیل می افزاید: جنبش فمینیسم (از ریشه Feminine به معنای جنس زن) با نگاهی مردانی به دنبال آن بوده که زنان را به عرصه های مردانه قدرت و فعالیت و از حاشیه به متن در آورد که به استفاده ابزاری از زن انجامید. چنانچه برخی از مدافعان این جنبش به منتقدان آن تبدیل شده اند

زیرا مهم ترین دستاورد فمینیسم نفی هویت زنانه بوده است و همچنین تنوع و گونه های مختلف این جنبش ها موجب ایجاد پراکندگی در اهداف آنان شده و به علت برخی سوء تفسیرها، گرایشات رادیکالی را نسبت به مردان، در زنان تقویت کرده است. این تحلیل پیشنهاداتی را در زمینه حمایت از خانواده ارائه نموده است. برای نمونه اصلاحاتی در وضعیت اشتغال زنان، به طوری که حق زن در انجام فعالیت های مباح از دیدگاه دینی مشروع بوده و به رسمیت شناخته شود، زیرا دعوت به خانه نشینی نه تنها باعث مشکلات روانی از جمله احساس پوچی خواهد بود که می تواند

پیامدهای اجتماعی و سیاسی داشته باشد و نمی توان اشتغال زنان را منع کرد. اما از سوی دیگر هم نباید آن را مهار گسیخته و مردانه ترویج نمود به گونه ای که انجام کار سنگین خانه داری در کنار اشتغال رسمی، وظایف مادری و همسری را تحت الشعاع قرار داده و باعث کشمکش های خانوادگی گردد و یا مرد به دلیل اتکا به درآمد همسر از مسئولیت پذیرش بار مالی خانواده شانه خالی کند.

تحلیل مذکور هدایت زنان به فعالیت های اجتماعی مانند NGO ها را پیشنهاد نموده است. انعطاف ساعت کاری برای زنان، پیگیری مشاغلی که در محیط خانه قابل پیگیری است با تشویق صنعت گران به واگذاری برخی فعالیت ها به زنان، اشتغال را از عاملی مشکل ساز به مشکل گشا تبدیل خواهد کرد. ضمن آن که به منظور کم کردن زمینه های تخاصم، رضایت همسران در اقدام به اشتغال بانوان در خارج از منزل احراز گردد.

تحقیق و تفحص مجلس هفتم از "مرکز امور مشارکت زنان" کمیسیون فرهنگی در دوره هفتم مجلس، مرکز امور مشارکت زنان نهاد ریاست جمهوری را مورد تحقیق و تفحص قرار داد و گزارش آن را طی دو جلسه علنی سی ام فروردین و سوم اردیبهشت ماه ۱۳۸۵ قرائت نمود.

گزارش شامل یک مقدمه و هشت بند بود. بخشی از آن در رابطه با بودجه تخصیصی و سفرهای خارجی، کیفیت حضور در اجلاس جهانی، بررسی اهداف و محتوای کارگاه های آموزشی بود. در گزارش آمده است که مرکز امور مشارکت زنان نهادی موازی با شورای عالی انقلاب فرهنگی بوده و ردیف مستقلی در بودجه برای آن منظور شده است. همچنین در گزارش تحقیق و تفحص از مرکز امور مشارکت زنان چنین ذکر شده که مرکز بودجه کلانی را به NGO ها اختصاص داده در حالی که مجوزی برای این کار نداشته و ضمناً به دلیل آن که یک نهاد اجرایی محسوب نمی شود، نظارتی بر عملکرد این گونه سازمان های غیردولتی نداشته و به نوعی همسویی با سیاست های آنان نیز داشته است. یکی دیگر از موارد گزارش، اصرار رئیس وقت مرکز [زهر اشجاعی] جهت پیوستن به کنوانسیون محوکلیه اشکال تبعیض علیه زنان علی رغم مخالفت علما بوده است. در بخش کارگاه های آموزشی، به کتاب "اقدام محلی، تغییر جهانی" اشاره شده که در تعارض جدی با احکام اسلامی و قانون اساسی است و ذکر شده که در یکی از این کارگاه های آموزشی، ارتباط نامشروع در صورت تمایل طرفین امری مشروع محسوب گردیده و مجازات زانی که مرتکب این عمل شده اند به عنوان خشتونت علیه زنان معرفی شده است. از دیگر موارد مطرح در این گونه کارگاه های آموزشی، ارتباط جنسی آزاد برای نوجوانان و مجاز بودن روسپی گری غیر اجباری و حمایت از سقط جنین در بارداری های ناخواسته، بوده است.



همچنین در گزارش ذکر شده که راه اندازی رشته مطالعات زنان در دانشگاه و مرکز مطالعات و تحقیقات زنان عموماً از تفکرات دگراندیشان و اندیشه های فمینیستی بهره برده است.

در گزارش تحقیق و تفحص به تخلفات مالی مرکز در رابطه با دوره کارگاه های آموزشی، تبانی در معاملات دولتی، انعقاد قراردادهای تحقیقاتی بدون مجوز قانونی و صرف اعتبارات برخلاف قوانین از مصادیق تصرف غیرقانونی در وجوه و اموال دولتی، اشاره شده است. فاطمه آلیا رئیس هیئت تحقیق و تفحص از ارجاع این گزارش به قوه قضاییه خبر داد. این در حالی است که مسئولان سابق مرکز از ارائه گزارش به دادگاه استقبال کرده اند تا بتوانند دفاعیات خود را مطرح کنند.

گزارش مبنای علمی ندارد

زهر اشجاعی رئیس پیشین مرکز، معتقد است گزارش دهندگان از حد گزارش فراتر رفته و در مقام قاضی به صدور حکم پرداخته اند و این

خلاف رویه گزارش نویسی می باشد. وی در مصاحبه با روزنامه شرق ۸۵/۲/۱۸ گفته است کسانی که به عنوان کارشناسان مجلس برای تحقیق و تفحص به مرکز آمدند دونفر بودند که یکی از آنها معلم قرآن بود و دیگری گفت لزومی ندارد که بگوید چه شغلی دارد. ورود به بحث زنان تخصص لازم دارد. مثلاً برابری جنسیتی با برابری جنسی تفاوت دارد که به نظر می رسد در گزارش این دو مفهوم یکی گرفته شده اند.

زهرا شجاعی در مورد روش تهیه گزارش گفت: روش این افراد در تهیه گزارش هم در مورد اقتصادی و هم مدیریتی بسیار پرهزینه بود. مثلاً فهرست کامل فیش های حقوقی تمام کارکنان مرکز را از سال ۱۳۷۶ خواسته بودند و یا کپی کامل فیلم هایی را که طی هشت سال فعالیت مرکز مشارکت در اجلاس و برنامه ها تهیه شده بود درخواست کردند. شجاعی این گونه تهیه گزارش را غیر علمی دانسته زیرا در روش علمی به صورت نمونه و موردی برخورد شده و از آن استفاده می کنند.

همچنین وی این مرکز را موازی با نهادهای دیگر ندانست زیرا بر اساس اختیارات موضوع اصل ۱۰۶ قانون اساسی هر رئیس جمهوری می تواند اقدام به تأسیس تشکیلات یا نهادهایی در حوزه نهاد ریاست جمهوری بنماید. تأسیس این مرکز هم ابتدا با عنوان دفتر امور زنان در زمان ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی ایجاد شده و دارای جایگاه قانونی است منتها یک نهاد مستقل نمی باشد و دارای ردیف بودجه فرعی است یعنی ذیل ردیف بودجه نهاد ریاست جمهوری به فعالیت پرداخته است.

شجاعی در رابطه با متن آموزشی که در گزارش به آن اشاره شده گفت: این متن تغییر یافت و بعد مورد استفاده قرار گرفت. وی گفت قسمت هایی از گزارش بسیار کلی، مبهم و نارساست، مثل این که مرکز در مورد حاکم کردن بینش توحیدی در جهت تحقق اهداف ناب اسلامی و ترویج فرهنگ عفاف یا تحکیم بنیان خانواده کاری انجام نداده است. این مسئله با چه وسیله سنجشی اندازه گیری و ثابت شده است، مثلاً قبل از شروع کار مرکز سطح بینش توحیدی جامعه چقدر بوده و پس از ۸ سال چقدر شده است، به علاوه این که فرهنگ سازی تکلیف کلیدی دستگاه های فرهنگ سازی کشور است و نمی توان آن را از یک تشکیلات خاص انتظار داشت. شجاعی در مورد پیوستن ایران به کنوانسیون گفت که پس از اظهار نظر مراجع در این رابطه، وی هیچ گونه

مصاحبه ای نکرده است، ولی اگر قدری به جوانب امر و مقتضیات زمان توجه شده و توضیحاتی کافی داده می شد دیدگاه مخالفان تغییر می کرد و نظرات مراجع فصل الخطاب قرار می گرفت.

\*\*\*

روند ورود زنان به صحنه دیپلماسی در سراسر جهان رو به فزونی گرفته، ولی آیا این روند در نگاه رایج اعمال مدیریت ها موجب تغییراتی خواهد شد؟ حضور زنان نباید صرفاً حضوری مردانه جلوه داده شود و نه این که در راستای فمینیسم افراطی قرار گیرد، بلکه با رعایت شایسته سالاری در جهت ایجاد تعادل و اخلاق و عواطف انسانی باشد. همچنین رویه مرحوم امام در هنگام اعزام هیئت ایرانی به اتحاد جماهیر شوروی سابق که یکی از بانوان مبارز عضو آن بود در راستای این روند قرار می گیرد. آیا تغییر نام "مرکز امور مشارکت زنان" به "مرکز امور زنان و خانواده" را می توان حاصل رویه آیت الله خمینی دانست؟ یا این که حاصل گفتگمانی است که بر کم رنگ شدن هویت اجتماعی سیاسی زنان تأکید دارد و بنا به گفته معصومه ابتکار (که مدیریت سازمان محیط زیست را در کابینه آقای

خاتمی عهده دار بود) معلوم نیست اگر بزرگوارانی مانند حضرت معصومه (س) در قید حیات بودند چگونه با آنها برخورد می شد و آن چنان که امروزه از تقدس آن حضرت سخن می گویند، گردش امور را به او واگذار می کردند؟ و این در حالی است که برخی ورود زنان به عرصه حکومتی را از نشانه های بد دوره آخر الزمان می دانند. در صورتی که می بینیم قرآن کریم در آیه شریفه ۳۴ سوره نسا و همچنین آیه ۱۳ از سوره حجرات راه برون رفت زنان برای کسب شایسته سالاری را به وضوح نشان می دهد که آن تفاوت و برتری به جهت اتفاق است. با توجه به آن که اگر واقعیت های جامعه را یک باره نفی کنیم تعادل جامعه طوری به هم می خورد که حتی زنان هم حاضر به قبول آن نیستند. بنابراین در بستر زمان و تکامل تدریجی می توان حقی را نهادینه کرد و آن را مهندسی نمود. برای رسیدن به وضعیت مطلوب و رهایی از وضعیت موجود باید از راه ممکن بگذریم به گونه ای که تعادل جامعه حفظ و از ایجاد تفرقه جلوگیری شود و به رشد امت واحده بینجامد. در این رابطه توجه خوانندگان گرامی را به مقاله "از مردسالاری تا شایسته سالاری" که در چشم انداز ایران، شماره ۲۴، بهمن و اسفند ۱۳۸۲ به چاپ رسیده جلب می نمایم که در آن روش برخورد قرآن با ناهنجاری ها را نشان داده است.



زهرا شجاعی

**زهرا شجاعی: قسمت هایی از گزارش بسیار کلی، مبهم و نارساست، مثل این که مرکز در مورد حاکم کردن بینش توحیدی در جهت تحقق اهداف ناب اسلامی و ترویج فرهنگ عفاف یا تحکیم بنیان خانواده کاری انجام نداده است. این مسئله با چه وسیله سنجشی اندازه گیری و ثابت شده است**